

با همکاری آقای علی اصغر فلاح

ضمناً چون چکهای تحویلی از ناحیه شاکی به مشتکی عنه احتمالاً از طریق کلاهبرداری تحصیل شده کلیه چکهای مأخوذه در این ارتباط به وسیله متهم یا ایادی وی که طرح شکایت منجر به صدور دادنامه اجرائیه شده باشد تا تکلیف نهایی از اجرای آن خودداری شود و با عنایت به اینکه دادگاه بدوی بدون تحقیقات کافی مبادرت به صدور رأی نموده است علی هذا دادگاه رأی صادره را قرار تلقی و با نقض دادنامه پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه صادر کننده رأی اعاده می نماید این رأی قطعی است و . . .

آقای دادیار در پایان گزارش خویش چنین اظهار عقیده نموده است: آقایان . . . و مستشار دیگر شعبه . . . دادگاه تجدید نظر استان تهران که بازنشسته شده و تعقیب انتظامی او منتفی است در رسیدگی و صدور دادنامه شماره ۷۱۴/۳۰/۵/۷۹ مرتکب تخلف شده اند که ذیلا اعلام می شود. ۱- تلقی رأی برائت به قرار از سوی دادگاه تجدید نظر مذکور موجه و صحیح نبوده زیرا دادگاه تجدید نظر چنانچه تحقیقات را ناقص تشخیص دهد می بایست رأساً مبادرت به رسیدگی ماهوی نماید.

۲- صدور دستور در مورد عدم پرداخت وجه چکها در پرونده دیگری غیر قانونی بوده و ماده ۲۴۱ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری رعایت نشده نظر به مراتب فوق مستشار دادگاه آقای . . . مرتکب تخلف شده تعقیب انتظامی او مورد تقاضاست مستشار دیگر که بازنشسته شده تعقیب انتظامی او مورد ندارد و . . . سرانجام با نظر به فوق موافقت شده در نتیجه کیفرخواست شماره ۲۷۸/۵/۲۸/۸۲ از دادسرای انتظامی قضات صادر شده به استناد قسمت اول ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی تقاضای مجازات انتظامی قاضی مشتکی عنه انتظامی شده است.

کیفرخواست به قاضی نامبرده ابلاغ شده از ناحیه وی لایحه دفاعیه ای واصل شده که هنگام شور قرائت خواهد شد.

اینک شعبه . . . دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل است پس از مطالعه گزارش امر و لایحه دفاعیه با کسب عقیده معاون دادسرای انتظامی قضات مبنی بر: (صدور حکم داتر بر تعیین مجازات انتظامی قاضی مشتکی عنه مورد تقاضاست) مشاوره نموده به شرح آتی رأی صادر می نماید.

دادنامه شماره . . . مورخ ۲۸/۱۱/۸۲ شعبه . . . دادگاه عالی انتظامی قضات

جریان امر: آقای . . . دادیار دادسرای انتظامی قضات در خصوص شکوائیه انتظامی ر. ع از نحوه رسیدگی به پرونده کلاسه ۶۸۲/۷۹ شعبه . . . دادگاه تجدید نظر استان تهران پس از مطالبه و ملاحظه پرونده امر ماحصل آن را چنین گزارش نموده است: شاکی پرونده امر شکایت کلاهبرداری علیه مشتکی عنه کرده که پرونده به شعبه . . . دادگاه عمومی سابق ارجاع شده است پس از دستور احضار متهم و حضور او در پاسگاه انتظامی و تحقیق از وی که گفته اظهار شاکی را قبول ندارد پرونده بدون اعزام شاکی به اتناق متهم به دادگاه ارسال شده و . . . بالاخره دادگاه وقت رسیدگی تعیین و طرفین را دعوت و جلسه دادرسی در تاریخ ۱۳/۸/۷۸ بدون حضور طرفین تشکیل شده و دادگاه چنین رأی صادر می نماید: «صرف نظر از عدم حضور شاکی و وکیل وی در دادگاه نظر به عدم کفایت دلیل مثبت . . . به استناد اصل ۳۷ قانون اساسی رأی بر برائت متهم صادر و رأی حضوری قابل تجدیدنظر خواهی است وکیل شاکی طی لایحه ای اعلام داشته چون شاکی و متهم در جلسه دادرسی حاضر نبودند و لایحه ای هم نفرستاده طبق مقررات رأی دادگاه غیابی است و حق واخواهی موکل (شاکی) محفوظ خواهد بود دادگاه بدوی در وقت فوق العاده در مورد درخواست واخواهی وکیل شاکی چنین رأی صادر کرده «شاکی از شکایت همیشه مستحضر است دادنامه غیابی مربوط به متهم و محکوم علیه می باشد دادنامه حاضر از جهت استحضار شاکی از شکایتش حضوری است حکم به رد واخواهی صادر نمی نماید» وکیل شاکی از رأی صادره دعوا تجدید نظر خواهی کرده پرونده دعوی تجدید نظر خواهی به شعبه . . . دادگاه تجدید نظر استان تهران ارجاع گردیده است و این شعبه چنین رأی صادر می نماید: «اعتراض به حکم برائت متهم وارد است چون در خصوص متهمین تحقیق نشده لازم است از متهمین تحقیق شود از کسانی که واسطه معامله بوده اند تحقیق به عمل آید و روشن شود چکهایی که به شاکی تحویل شده این چکها متعلق به چه کسی بوده

رأی دادگاه

دادنامه بدوی متضمن حکم برائت متهم از اتهام، بر اساس مقررات بند الف ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری صادر و مورد درخواست تجدیدنظرخواهی شاکی واقع شده در این صورت مرجع تجدید نظر به استناد ماده ۲۵۲ و بند ب ماده ۲۵۷ قانون مذکور تکلیف بر رسیدگی و نقض دادنامه و سپس صدور رأی بر طبق شقوق ذیل ماده اخیرالذکر داشته است لذا نقض رأی بدوی و تلقی آن به قرار و اعاده پرونده به دادگاه بدوی با هدف ادامه رسیدگی، از سوی مستشار دادگاه تجدید نظر تخلف از مقررات مذکور است و مداخلات وی در این مورد مؤثر تشخیص داده نشد. بنابه مراتب آقای . . . مستشار وقت شعبه . . . دادگاه تجدید نظر استان تهران را به استناد قسمت اول ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات به کسر یک ششم حقوق ماهیانه به مدت سه ماه محکوم می نماید. ایراد دیگر دادسرای انتظامی قضات با توجه به اوضاع و احوال پرونده وارد به نظر نرسید. این رأی قطعی است.

دادنامه شماره ۵۶۴ تاریخ ۲/۱۲/۸۲ شعبه . . . دادگاه عالی انتظامی قضات

جریان امر: آقای . . . دادیار دادسرای انتظامی قضات در خصوص شکوائیه انتظامی ر. ع از نحوه رسیدگی به پرونده های کلاسه ۱۵۸۰/۸۰ و ۱۹۰۰ و ۳۲۷۱/۸۱ و ۸۹۹ شعبه مذکور پس از مطالبه و ملاحظه پرونده های امر ماحصل آن را چنین گزارش نموده است: . . . در تاریخ ۳۰/۸/۸۰ شکایتی مبنی بر صدور یک فقره چک بلامحل مطرح که جهت تحقیقات مقدماتی به کلاتری ارسال می شود علت عدم تأدیه عدم تطبیق امضاء و کسر موجودی عنوان شده بود صادر کننده در کلاتری ادعا نموده دسته چک وی سرقت شده و در این رابطه در شعبه . . . دادگاه عمومی تهران تشکیل پرونده کلاسه ۳۱۵/۸۰ گردیده این چک به وسیله وی تحریر شده و امضاء نگردیده مسروقه است در تاریخ ۳/۹/۸۰ از طرفین توسط دادرس دادگاه تحقیق شده بالاخره در روز بعد قرار وجه الضمان علیه

صادر کننده چک صادر با تودیع وجه الضمان آزاد می شود وقت رسیدگی تاریخ ۹/۱۰/۸۰ در این پرونده تعیین گردیده آقای . . . رییس دادگاه با حضور شاکی در غیاب متهم جلسه دادگاه را تشکیل نموده نتیجه پرونده موضوع سرتقت چک را که به قرار قطعی منع تعقیب منتهی شده استعلام نموده دارند ، دادخواست مطالبه وجه چک را نیز تقدیم داشته که با پرونده چک توأم وقت رسیدگی ۱/۳/۸۱ تعیین آقای رییس دادگاه در این تاریخ با حضور شاکی بدون حضور متهم جلسه دادرسی را تشکیل داده اظهارات شاکی را در صورت مجلس منعکس ساخته با اعلام ختم رسیدگی به موجب دادنامه های شماره ۵۴۵ و ۵۴۶ و ۸۱/۳/۱ صادر کننده را به تحمل حبس و تأدیه جزای نقدی محکوم و ایضا بر محکومیت وی به تأدیه وجه چک در حق دارند رأی صادر می نماید و رأی صادره را غیابی و ظرف ۱۰ روز پس از ابلاغ قابل واخواهی اعلام می نماید بعد از ابلاغ رأی محکوم علیه درخواست رسیدگی واخواهی کرده (از جنبه حقوقی دادخواست تسلیم نشده و تمبر مرحله واخواهی راجع به محکومیت وجه چک ابطال نشده است) با

اقدام رئیس دادگاه خانواده در صدور گواهی عدم امکان سازش بنا به درخواست زوجه به استناد و نظر به یک نفر داور مشترک بدون تعیین داور از طرف هر یک از زوجین تخلف از مقررات مذکور است

دستور رییس دادگاه وقت رسیدگی تاریخ ۵/۵/۸۱ تعیین و پس از تعیین کارشناس و انجام استکتاب کارشناس اظهار نظر کرده خط و امضای مندرج در متن چک با خط و امضای صادر کننده مطابقت ندارد و . . . سرانجام در جلسه دادرسی تاریخ ۱۶/۹/۸۱ دادگاه اظهارات گواهان را استماع و سپس به موجب دادنامه ۲۵۰۴/۱۶/۹/۸۰ پس از اعلام ختم رسیدگی دادنامه غیابی را نقض برات صادر کننده را از بزه انتسابی صادر می نماید با تجدیدنظر خواهی دارند چک پرونده دعوی تجدید نظر خواهی به شعبه . . . دادگاه تجدیدنظر ارجاع شده و این شعبه به رد دعوی تجدیدنظر خواهی رأی بدوی را تأیید و به قاضی دادگاه بدوی مندرک می گردند در رابطه با محکومیت مدنی محکوم علیه اظهار نظری به عمل نیامده که در این راستا آقای رییس دادگاه در تاریخ ۷/۱۲/۸۱ مجدداً با اعلام ختم رسیدگی حکم به رد دعوی خواهان دایر بر مطالبه وجه چک صادر نموده است . آقای دادیار در پایان گزارش چنین اظهار عقیده نموده است :

۱ با وجودی که در مرحله تحقیق مقدماتی از

مشکی عنه تحقیق و با حضور در دادگاه نیز از او تحقیق و اتهام انتسابی به وی نفهمید . . . سپس قرار تأمین وجه الضمان علیه او صادر شده است آقای رییس دادگاه بدون توجه به مقررات مواد ۱۹۳ و ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری بدون اخذ آخرین دفاع از متهم مبادرت به صدور رأی نموده و با وصف حضوری بودن ، حکم صادره را غیابی اعلام و با درخواست واخواهی محکوم علیه مجدداً وارد رسیدگی شده و حکم جدید صادر نموده است .

۲ بدون اینکه در امر حقوقی دادخواست واخواهی تقدیم گردیده باشد و یا مطابق ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت تمبر مقرر باطل شده باشد وارد رسیدگی واخواهی شده ضمن نقض رأی بدوی (غیابی) حکم به رد دعوی خواهان صادر کرده است فلذا به استناد صدر ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات به تعقیب انتظامی آقای . . . اظهار نظر می شود . . .

سرانجام با نظریه فوق موافقت شده در نتیجه کیفرخواست شماره ۳۶۴/۳۰/۶/۸۲ از دادسرای انتظامی قضات صادر شده با استناد قسمت اول ماده ۲۰ نظامنامه مذکور درخواست مجازات انتظامی قاضی مشکی عنه انتظامی شده است .

کیفرخواست صادره به قاضی نامبرده ابلاغ شده از ناحیه وی لایحه دفاعیه ای واصل شده که هنگام شور قرائت خواهد شد ، اینک شعبه . . . دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل است پس از مطالعه گزارش امر و لایحه دفاعیه با کسب عقیده معاون دادسرای انتظامی قضات مبنی بر : (صدور حکم دایر بر تعیین مجازات انتظامی قاضی مشکی عنه مشاوره نموده به شرح آتی رأی صادر می نماید :

رئیس دادگاه از حیث عدم اخذ آخرین دفاع از متهم پرونده امر و نیز رسیدگی به دعوی واخواهی محکوم علیه علی رغم حضوری بودن رأی معترض عنه به سبب حضور متهم در جلسه دادرسی در تاریخ ۳/۹/۸۰ طبق گزارش مبنای کیفرخواست تخلف بوده است و مدافعات وی در این موارد مؤثر تشخیص داده نشد . بنا به مراتب آقای . . . رییس شعبه . . . دادگاه عمومی تهران را به استناد قسمت اول ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات به کسر عشر حقوق ماهیانه به مدت سه ماه محکوم می نماید .

ایراد دیگر دادسرای انتظامی قضات در زمینه رسیدگی به دعوی واخواهی محکوم علیه نسبت به محکومیت کیفری و ضرر و زیان ناشی از جرم بدون آنکه دادخواستی تقدیم و هزینه دادرسی آن را تأدیه نموده باشد با اتخاذ تقصیر از وحدت ملاک تبصره ۲ ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری وارد نیست و زدی می شود . این رأی قطعی است .

دادنامه شماره . . . تاریخ ۲۴/۱۰/۸۲ شعبه . . . دادگاه عالی انتظامی قضات :

جریان امر : آقای . . . دادیار دادسرای انتظامی قضات در خصوص شکوائیه انتظامی خانم ف . . . ط از نحوه رسیدگی به پرونده کلاسه ۷۹/۲۲۸۰ شعبه . . . دادگاه خانواده تهران و پرونده کلاسه ۸۱/۲۲۴۵ شعبه . . . دادگاه خانواده تهران تجدیدنظر استان تهران پس از مطالبه و ملاحظه پرونده های امر ماحصل آنها را چنین گزارش نموده است در ارتباط اختلاف شکایه انتظامی با همسرش تعداد چهار فقره پرونده تشکیل و لفت یکدیگر شده است در پرونده کلاسه ۷۸/۳۸۴۹ شعبه . . . خانم ف . . . ط دادخواستی به طرفیت شوهرش س . . . ب به خواسته نفقه معوقه بدون اینکه میزان نفقه را معین کند تقدیم داشته که به شعبه . . . دادگاه خانواده ارجاع و وقت رسیدگی تاریخ ۲۰/۱/۷۹ داده شده در وقت مذکور جلسه دادگاه با حضور خواهان تشکیل و مشارالها خواسته خود را پرداخت نفقه از قرار ماهی یکصد هزار تومان از اول دی ماه ۱۳۷۸ تا صدور حکم عنوان می کند دادگاه بر همین اساس مبادرت به صدور دادنامه ۵۶/۱/۷۹ می نماید . در پرونده کلاسه ۷۸/۳۸۴۹ بدون اینکه دادخواستی از طرفین تقدیم بشود صورت جلسه ای به شرح برگ ۲۰ تنظیم شده که حاکی است طرفین توافق کرده اند که گواهی عدم امکان سازش صادر شود و خانمی به نام م . . . ا به عنوان داور مشترک ذیل توافقتنامه را امضاء کرده و متعاقباً به شرح برگ ۲۱ گواهی عدم امکان سازش به شماره ۳۴۲۲/۴/۱۰/۷۹ صادر شده که علی الظاهر خانم ف . . . ط تجدیدنظر خواهی کرده که رسیدگی به شعبه . . . دادگاه تجدیدنظر ارجاع و شعبه مذکور دادنامه تجدیدنظر خواسته را تأیید می کند . در پرونده کلاسه ۷۹/۲۹۰۴ شعبه . . . دادگاه خانواده خانم ف . . . ط دادخواستی به طرفیت شوهرش س . . . ب دایر به مطالبه نفقه ایام گذشته از تاریخ ۲۱/۱/۷۹ لغایت صدور حکم از قرار ماهی ۷۵۰ هزار ریال تقدیم که رسیدگی به شعبه . . . ارجاع به تاریخ ۲۱/۱/۸۰ تعیین وقت می شود در وقت مقرر در دادگاه جلسه رسیدگی را در غیاب اطراف دعوا تشکیل و به این استدلال که چون خواهان با ابلاغ واقعی در دادگاه حاضر نشده عدم حضور او را انصراف تلقی و پرونده را از آمار کسر و بایگانی نموده است در پرونده کلاسه ۷۸/۳۸۴۸ خانم ف . . . ط دادخواستی به طرفیت سرپرست مجتمع قضائی خانواده به خواسته اعسار از هزینه

هر یک لایحه دفاعیه ای واصل شده که هنگام شور قرائت خواهد شد.

اینک شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل است پس از مطالعه گزارش امر و لایحه دفاعیه با کسب عقیده معاون دادرسی انتظامی قضات مبنی بر (صدور حکم دادر بر تعیین مجازات انتظامی بر اساس کیفرخواست دادرسی انتظامی مورد تقاضاست) مشاوره نموده به شرح آتی رای صادر می نماید:

رای دادگاه

با توجه به ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۲۸ آبان ۱۳۷۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام که مقرر می دارد: زوجیهایی که قصد جدایی و طلاق از یکدیگر دارند بایستی جهت رسیدگی به اختلاف خود به دادگاه مراجعه چنانچه اختلاف فی مابین از طریق دادگاه و حکمین از دو طرف که برگزیده دادگاهند (آن طور که قرآن کریم فرموده است) حل و فصل نگردیده دادگاه با صدور گواهی عدم امکان سازش آنان را به دفاتر رسمی طلاق خواهند فرستاد بنابراین اقدام رئیس دادگاه خانواده در صدور گواهی عدم امکان سازش بنا به درخواست زوج به استناد نظریه یک نفر داور مشترک بدون تعیین داور از طرف هر یک از زوجین تخلف از مقررات مذکور است و همچنین در دعوی مطالبه نفقه معوقه صدور دستور بایگانی پرونده و کسر آن از امار موجودی به سبب عدم حضور به منزله انصراف از پیگیری دعوی تلقی گردیده بر خلاف موازین قانونی بوده تخلف است قضات دادگاه تجدیدنظر در تایید رای مخدوش دادگاه بدوی که متضمن صدور گواهی عدم امکان سازش بوده به ترتیب مذکور در گزارش مبنای کیفرخواست مرتکب تخلف شده اند و مدافعات قضات مشتکی عنهم در این

موارد موثر تشخیص داده نشده.

بنا به مراتب آقای ... رئیس وقت شعبه ... دادگاه عمومی تهران (رئیس فعلی شعبه ... دادگاه تجدیدنظر استان تهران) را با انطباق عملش بر صدر ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تصمیمات انتظامی قضات به کسر سدس حقوق ماهیانه به مدت دو ماه و آقایان ... و ... رئیس و مستشار شعبه ... دادگاه تجدیدنظر استان تهران را به استناد همان مقررات به کسر عشر حقوق ماهیانه در دو ماه محکوم می نماید. ایرادات دیگر دادرسی انتظامی قضات به عملکرد رئیس دادگاه خانواده با توجه به مدافعات ایشان و اوضاع و احوال پرونده وارد به نظر نرسید. این رای قطعی است.

صدور حکم تقدیم داشته وقت رسیدگی ۸۰/۱/۲۱ تعیین که در وقت مقرر جلسه دادگاه بدون حضور طرفین تشکیل و رئیس دادگاه این عدم حضور را انصراف از پیگیری دعوی تلقی و پرونده را از امار کسر و بایگانی کرده که این نحوه رسیدگی و جهات قانونی نداشته و ناقض مقررات ماده ۹۵ قانون آیین دادرسی مدنی بوده در مجموع عملکرد ایشان از مصادیق قسمت دوم ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تصمیمات انتظامی قضات بوده مستوجب تعقیب انتظامی است و در خصوص عملکرد وی در پرونده کلاسه ۳۸۴۹/۷۸ تخلف بارزی محرز نیست در خصوص عملکرد آقایان ... و ... رئیس و مستشار شعبه ... دادگاه تجدیدنظر که دادنامه



شماره ۳۴۲۲ موضوع صدور گواهی عدم امکان سازش را به کیفیت سابق الذکر تایید کرده اند نیز مرتکب تخلف شده و مستوجب تعقیب انتظامی می باشند.

سرانجام با نظر به های فوق شده موافقت در نتیجه کیفرخواستهای شماره ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۳ مورخ ۱۲/۳/۸۲ از دادرسی انتظامی قضات صادر گردیده به استناد ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تصمیمات انتظامی قضات (راجع به آقای ... قسمت دوم ماده ۲۰ نظامنامه مزبور) تقاضای مجازات انتظامی قضات مشتکی عنهم انتظامی شده است. کیفرخواستها به قضات نامبرده ابلاغ شده از ناحیه

پرونده نفقه معوقه تقدیم که رسیدگی به شعبه ... ارجاع و تاریخ ۷۸/۱۱/۹ بوده مع ذلک آقای ... یک روز بعد یعنی در رسیدگی تاریخ ۷۸/۱۱/۱۰ به شرح برگ ۳ پرونده مبادرت به صدور حکم اعسار نموده است. بنا به مراتب آقای ... در رسیدگی مرتکب تخلفات متعددی گردیده بدین توضیح اولاً در پرونده ۳۸۴۹/۷۸ اظهارات طرفین را صورت جلسه و بدون اینکه دآوری تعیین نماید به اظهارات خانمی به نام ... ایه عنوان داور مشترک بسنده نموده به شرح برگ ۲۱ مبادرت به صدور گواهی عدم امکان سازش نموده که این نحوه رسیدگی ناقض مقررات ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی که از قوانین امری است بوده همچنین

از حیث پذیرفتن یک نفر داور مشترک بر خلاف نص صریح آیه کریمه و ان خفتم شقاق و مغایر مقررات ماده واحده اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب آبان ۱۳۷۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام و آیین نامه اجرائی آن می باشد زیرا هدف از واگذاری تجویز طلاق به دادگاهها و همچنین تعیین داور از طرف دادگاه این است که داوران از افراد مصلح و از آشنایان و یابستگان طرفین باشند و با انذار از عواقب طلاق و بشارت در ادامه زندگی طرفین را وادار به سازش نمایند در صورتی که عمل آقای رئیس دادگاه نافی این فلسفه و هدف بوده تخلف مشارالیه محرز است ثانیاً در پرونده ۳۸۴۹/۷۸ خانم ف - ف - ط درخواست صدور حکم اعسار از هزینه دادرسی پرونده نفقه نموده دلیل خود را گواهی گواهان عنوان کرده در صورتی که هیچ گونه دلیل و یا استشهادیه ای پیوست پرونده نیست مشارالیه در تاریخ ۷۸/۱۱/۹ دادخواست خود را تقدیم مع ذلک آقای ... در تاریخ ۱۱/۱۰/۷۸ خواسته وی را اجابت و مبادرت به صدور حکم کرده و به استناد قراین و شواهد مبادرت به صدور رای کرده در صورتی که طبق مقررات ماده ۵۰۷ قانون

آیین دادرسی مدنی می بایست نسخه ثانی دادخواست برای طرف مقابل ارسال شود مفهوم این مقررات این است که باید طرف از طرح دعوا اعسار اطلاع پیدا کند در صورتی که در مانحن فیه نسخ ثانی دادخواست ارسال نشده و یک روز بعد از تقدیم دادخواست حکم صادر شده که این نحوه رسیدگی با مقررات و منظور قانونگذار از جمله مقررات مواد ۵۰۶ و ۵۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی مغایر داشته به همین لحاظ آقای ... مستوجب تعقیب انتظامی است.

ثالثاً در پرونده کلاسه ۳۹۰۴/۷۹ همان شعبه خانم ف - ف - ط دادخواستی به طرفیت س ا ب به خواسته نفقه معوقه از تاریخ ۷۹/۱/۲۱ تا تاریخ